

سیاست خارجی ایران و چالش‌های فراروی ایران با تغییر ساختار سیاسی در عراق

عزت الله عزتی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سهیلا نانوا

دانش آموخته‌ی دوره‌ی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲

امنیت ملی: مجموع توانمندی‌های (طبیعی - بهره برداری - راهبردی) یک نظام برای دستیابی به «منافع ملی» را شامل می‌شود که «نبود تهدید» صرفاً مقدمه آن است.
(مورگنتا: ۱۳۸۳، ۲۷)

چکیده

تغییرات ماهوی در ساختار سیاسی عراق باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک این کشور گردید و با جابجایی متغیرهای تاثیر گذار بر ساختار سیاسی عراق نوین، فصل جدیدی را در اتخاذ استراتژی‌ها برای ایران، تبیین و توجیه می‌نماید.

پژوهش فوق، ضمن بررسی و تحلیل چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تغییر ساختار سیاسی در عراق و شکل‌گیری ژئوپلیتیکی نوین در عرصه‌ی سیاسی عراق، سعی در ارائه رویکردی بهینه در اتخاذ استراتژی‌ها، با دیدگاهی واقع‌گرایانه از ژئوپلیتیک نوین، به تهیه نقشه‌ی راهی در سیاست خارجی ایران با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی، برای پایدار نمودن صلح و کاهش منازعات و تهدیدات به پایین‌ترین سطح ممکن جهت حفظ امنیت ملی ایران، ترسیم می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، تهدیدات، امنیت ملی، سیاست خارجی، رویکرد استراتژیک.

مقدمه

اصولا ژئوپلیتیک در صدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی بر روابط کشورها و تلاش آن‌ها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران موثر است (قاسمی : ۱۳۸۴، ۶۹).

در این راستا، عراق به عنوان یک واقعیت پایدار با مجموعه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی سرزمینی - قومی - مذهبی - فرهنگی و اقتصادی، تعریف مشخصی در منافع ملی ایران داشته و جایگاه خاصی را در سیاست خارجی ایران دارا می‌باشد. طی دهه‌های گذشته جغرافیای سیاسی عراق سیاست تهاجمی را در فبال همسایگانش خصوصا ایران، با توجه به محدودیت استراتژیکی خود، دیکته می‌کرده است.

با حمله امریکا در مارس ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام، عراق جدید را میراث دار تاریخ گذشته و در عین حال آستن تحولات جدید ژئوپلیتیکی نمود. شکل‌گیری حکومت اقلیم در شمال عراق و قدرت یابی کردها و حضور شیعیان در راس قدرت و سیاست عراق، افزایش رقابت‌های بالقوه منطقه‌ای ناشی از خلاء قدرت در عراق، و این که این سرزمین میزبان بزرگ‌ترین دشمن استراتژیک ایران یعنی امریکاست، از جمله چالش‌ها و تهدیداتی است که به نوعی امنیت ملی ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده و ملزوماتی را در سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است و آن ایجاد فضایی از امنیت‌سازی به فرصت‌سازی می‌باشد.

سوال اصلی پژوهش فوق این است که: رویکرد بهینه سیاست خارجی ایران با توجه به تهدیدات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی عراق نوین، جهت حفظ امنیت ملی ایران کدام است؟ فرضیه مقاله این است که: چنین به نظر می‌رسد که، پذیرش تحولات عراق به عنوان یک واقعیت پایدار و با حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی در ساختار حکومت و قدرت، مسائل ارضی و مرزی، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اثرات انکارناپذیری را بر امنیت ملی ایران بر جای خواهد گذاشت که نیازمند اتخاذ استراتژی مناسب و کار آمد از سوی ایران جهت دستیابی به جغرافیای صلح در دو کشور می‌باشد.

روش تحقیق

این پژوهش با پیش فرض ژئوپلیتیک نوین عراق و تهدیدات ناشی از آن و اتخاذ سیاست خارجی بهینه از سوی ایران جهت تامین و حفظ امنیت ملی ایران، تحلیل و تبیین شده است و با

ارائه مصادیقی که سعی در اثبات فرضیه‌ی تحقیق دارد تجزیه و تحلیل می‌گردد؛ لذا روش تحقیق فوق بر اساس روش کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی - تحلیلی و توصیفی صورت گرفته است.

گذری بر تاریخ عراق و روند مناسبات ایران و عراق در گذشته

در تاریخ باستان می‌خوانیم سرزمینی که امروز عراق نامیده می‌شود در گذشته یکی از گهواره‌های تمدن خاورمیانه بوده است و امپراطوری‌های بابل و آشور در ۱۳۵۰ قبل از میلاد در این سرزمین به وجود آمده‌اند و در دوره‌ی سلسله‌های ایران باستان این سرزمین (بین النهرین) جزو متصرفات جدایی ناپذیر ایران محسوب می‌شد. (سیف‌زاده: ۱۳۸۹، ۳۵) تا ریخ آغازین عراق، با تجزیه امپراطوری عثمانی و در پی قرارداد «سایکس پیکو» در ۱۹۱۶ به وجود آمد و در سال ۱۹۱۷ انگلیس‌ها به طور کامل عراق را اشغال کردند به طوری که «ولسن» نماینده انگلیس در سال ۱۹۱۸ می‌گوید: «مناطق استراتژی در خاورمیانه واقع است که با اشغال عراق توانستیم در جهان اسلام لنگر بیندازیم». (فصلنامه علوم سیاسی : ۱۳۸۱، ش، ۱۸).

روابط و تعاملات ایران و عراق همواره مسیری سینوسی از تعارض، رقابت، نزدیکی را طی نموده که تاریخ گواه بر این مدعاست. سیر مناسبات ایران و عراق را می‌توان به سه دوره‌ی متمایز می‌توان تقسیم کرد:

سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ که می‌توان دوره‌ی همکاری‌های نسبی و تفاهم نامید. در این دوره بر هر دو کشور نظام‌های پادشاهی حاکم بود و بین دو کشور تعارض و کشمکش خاصی مشاهده نمی‌شد و دولت‌ها در مسائل دو جانبه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی با هم همکاری داشتند.

سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸ را می‌توان دوران خصومت و کشمکش نامید در این دوره پس از سرنگونی حکومت پادشاهی عراق و به قدرت رسیدن حکومت رادیکال قاسم به تدریج روابط دو کشور دچار تنش شد. البته بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ مواردی از همکاری و تفاهم بین دو کشور مشاهده شد ولی این همکاری‌ها عمیق و پایدار نبود و محرک آن عوامل خارجی بوده است.

دوره بعد از ۱۹۸۸ تاکنون را باید دوره‌ی ابهام نامید. با این‌که نیروهای عراقی از اراضی ایران عقب نشینی کردند و موافقت نامه الجزایر مورد پذیرش عراق قرار گرفته است اما هنوز عهدنامه رسمی بین دو کشور امضاء نشده است. در واقع این دوره نه جنگ و نه صلح بوده و تعاملات دو

طرف آمیزه‌ای از همکاری و خصومت بوده و هنوز فضای بی‌اعتمادی بر مناسبات دو کشور حاکم است. (www. Irdiplomacy.ir).

عوامل مهم در ژئوپلیتیک عراق

بررسی سیر تحولات و نقش عوامل ژئوپلیتیک عراق، در امنیت ایران قابل تبیین و بررسی می‌باشد. به طوری که ماهیت سه گانه هویت و جمعیت در عراق با منافع و رویکردهای متفاوت و متناقض، عراق را از منظر ژئوپلیتیکی به کشوری عجیب تبدیل کرده است. موقعیت جغرافیایی - شبکه آب‌ها - منابع و ذخائر نفت و گاز - افتراقات قومی و جمعیتی، مذهبی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر ژئوپلیتیک عراق می‌باشد. عراق با بیش از ۱۲ میلیارد بشکه نفت به عنوان بخشی از قلب منطقه خلیج فارس محسوب شود. در عراق از هر چاه به طور متوسط ۱۳۴۸۰ بشکه نفت در روز استخراج می‌شود. عراق همچنین دارای ۱۱۰ میلیارد فوت مکعب ذخائرگازی می‌باشد (عزتی: ۱۳۸۱، ۵۳) عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی مشکلاتی دارد. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بنادر صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروند رود موجب شده امنیت دسترسی آزاد این کشور به نفتکش‌های انتقال‌دهنده نفت خام عراق در گرو روابط دو جانبه با ایران باشد. (تیشه‌یار، ابوطالبی: ۱۳۸۴، ۱۳۶) از سویی بخش عظیمی از ذخائر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین واقع شده است و این مسئله بر اهمیت کردها افزوده است.

پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، این کشور شاهد تغییر و تحولات عمیق در ابعاد سیاسی - اقتصادی - نظامی و ژئوپلیتیکی گردید و پس از اشغال عراق عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه‌ای جدید مبادرت به ایفای نقش نمودند به نحوی که منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر ساخت.

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عراق جدید را تاثیرگذاری و نقش‌آفرینی طیف وسیعی از گروه‌های داخلی، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در روند تحولات سیاسی - امنیتی و اقتصادی و پیشینه‌ی تاریخی و نقش متفاوت گروه‌های داخلی عراق در شرایط کنونی این کشور دانست که در میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایران و ایالات متحده آمریکا دارای نقش عمده در روند جدید دولت - ملت‌سازی در عراق را دارند با این حال

چنین به نظر می‌رسد که نقش آفرینی این دو بازیگر عمده فقط در چارچوب یک تعامل سازنده امکان‌پذیر خواهد بود اما آنچه که به عنوان بحران در ژئوپلیتیک نوین عراق در آینده مطرح خواهد شد حدود مرزهای مناطق فدرالی و شعله ور شدن اختلافات قومی - مذهبی و احتمال به خطر افتادن تمامیت ارضی عراق خواهد بود. حال اگر قرار باشد عراق به عنوان یک حکومت ملی نه تنها در منطقه بلکه در سطح بین‌الملل موفق باشد باید مبنا را از قومیت‌گرایی به طرف کارکردگرایی سوق دهد (مجموعه مقالات بین‌المللی: ص ۸۹).

چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تغییر ساختار عراق برای امنیت ملی ایران

امنیت ملی و امنیت داخلی در گرو مقوله تهدید است، تهدید را می‌توان توانایی‌های، نیت و اقدامات دشمنان بالقوه و بالفعل جهت ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز به علایق و مقاصد امنیت ملی و یا مداخله به نحوی که نیل به این علایق و مقاصد به خطر افتد، محسوب می‌شود (کالینز: ۱۳۷۰، ۴۸۴).

با توجه به تغییر و تحولات وسیع در ساختار دیپلماسی کشورها، تاکتیک‌های دیروز کارایی قبل را نداشته و دولت‌ها ناگزیر در پی تدوین راهبردهای جدید در سیاست خارجی خود می‌باشند در غیر این صورت عدم درک صحیح از ساختارها پیامدهای ناگواری را در پی خواهد داشت. از دیدگاه ژئوپلیتیک روابط دو کشور بر اساس واقعیت‌های محیطی و مکانی در شرایطی از تعارض و انسجام، تقابل و همکاری برخوردار بوده است.

اکنون نیز که با ساختاری دمکراتیک گونه در عراق مواجه هستیم علل و عوامل ژئوپلیتیکی به نوعی از انحاء در روابط دو کشور به خودنمایی می‌پردازند، مسئله‌ی آب در غرب، مسئله‌ی ی اکراد و همجواری مرزهای دو کشور، گروه‌های شیعی در دو کشور، مسئله‌ی خوزستان و قرارداد ۱۹۷۵ و خط تالوگ در شط‌العرب مجدداً می‌تواند روابط دو کشور را تیره نماید. (فرجی: ۱۳۸۸) فقدان تجربه دمکراتیک - فقدان نهادهای دمکراتیک - نبود فرهنگ دمکراتیک در بین مردم و نخبگان و سابقه‌ی درگیری‌های فزاینده قومی و مذهبی و نبود تجربه تکرر حزبی از جمله ویژگی‌های عراق امروزی است یعنی پیش شرط لازم برای تضمین موفقیت سیستم دمکراتیک در عراق امروزی وجود نداشته و نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری عراق دچار نوعی ناهمگونی است و تا مادامی که عراق دوران گذار خود را طی می‌کند بی‌ثباتی سیاسی در عراق ادامه خواهد یافت. Orcachedstrategic.review.org اما بارزترین چالش‌های ژئوپلیتیکی فرا

روی ایران در قبال تغییر ساختار سیاسی عراق عبارت است از:

چالش‌های ناشی از حضور نیروهای خارجی در عراق
 چالش‌های ناشی از خلاء قدرت در عراق (برزگر: ۱۳۸۵، ۱۴۴)
 تهدیدات ناشی از قومیت‌گرایی و تاثیرات آن بر مرزهای لرزان کشور

حضور امریکا و اسرائیل در منطقه

با پایان یافتن جنگ سرد، امریکا ستاره قطبی سیاست خارجی خود یعنی دشمنی به نام کمونیسم را از دست داده بود و استراتژی نوین امنیت ملی ایالات متحده امریکا بر این پایه استوار شد که به محض شناسایی یک «تهدید فوری» حتی قبل از آن که این تهدید جنبه عینی پیدا کند وارد جنگ خواهد شد؛ لذا پنتاگون در سال ۱۹۹۲ با تدوین سندی که چشم انداز ادبیات، گفتار و رفتار نو محافظه‌کاران را در رسیدن به قدرت ترسیم می‌ساخت، را طراحی کرد. امنیت مطلق از طریق سیطره مطلق که پس از جنگ سرد و شکست عراق طراحی شده بود پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در قالب سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ در دوره‌های اول و دوم ریاست جمهوری بوش به مرحله اجرا گذاشته شد؛ لذا حضور نظامیان مسلح امریکایی در قرن ۲۱ در مناطق مختلف جهان در قالب‌های گوناگون نظیر، آتشفشان بحران‌ها «ملت‌سازی» و دولت‌سازی «به اشاعه و بسط دموکراسی و آزادی (سیاست خارجی: ۱۳۸۷، پژوهش ۱۴) اقتصاد مبتنی بر تجارت آزاد، دوستی با غرب و صلح با اسرائیل، عراق را نقطه شروع برای پیاده سازی این الگو و با هدف ترغیب دیگران به پیروی از آن، بود. امریکا با درک ضرورت‌های ژئواستراتژیک خویش در منطقه خاورمیانه و اندیشه شکل دهی به نظم نوین جهانی ناگزیر بود تا جنگی بزرگ را در عراق به راه اندازد تا بتواند «نظم هژمونیک» را در جهان مستقر سازد. حمله به عراق از منظر دولت امریکا گام نخست برای ایجاد تغییرات اساسی در خاورمیانه بود در این راستا در وهله اول بر استفاده از زور برای تغییر رژیم تاکید شد و سپس به دولت‌سازی و ملت‌سازی توجه می‌شود. کما این که کالین پاول وزیر خارجه وقت امریکا در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ «دکترین ابتکار مشارکت» خاورمیانه را اعلام کرد که مشخصه آن ملت‌سازی و دولت‌سازی، نخبه‌سازی و فرهنگ‌سازی در خاورمیانه بود (olivastro.2002) فرایند «تخریب سازنده» (شکل‌گیری حکومت جدید عراق و قانون اساسی این کشور منطبق بر سیاست‌های جدید خاورمیانه‌ای امریکا بود تا بتوان آن‌را به سایر کشورهای منطقه تعمیم دهند (فصلنامه بین‌الملل روابط خارجی: ۱۳۸۸، ش، ۲) یعنی ویرانی عمده عراق به شرکت‌های امریکایی و اقتصاد در حال رکود امریکا مدد رساند به عبارتی، فرایند رکود اقتصادی - جنگ و شکوفایی اقتصادی

دانشنامه حقوق و سیاست: ۱۳۸۵، ش ۱۵)».

عراق را باید اساس و محور طرح خاورمیانه بزرگ امریکا دانست که با اشغال نظامی کویت توسط صدام آغاز و با اشغال نظامی عراق توسط امریکا در سال ۲۰۰۲ م شکل اولیه قطعه اساسی پازل را به خود گرفت (سیاست خارجی: ۱۳۸۸، ش ۱) لورنس مشاور امنیت ملی رییس جمهور اسبق ایالات متحده چنین گفته است «پیروزی ما در عراق و کنترل این کشور می‌تواند حاکمیت اقتصادی ایالات متحده امریکا را در دو قاره آسیا و اروپا به ارمغان آورد (ماهنامه سیاحت غرب: ش ۴۰، ص ۹۱)».

برخی از نومحافظه کاران امریکایی بغداد را دروازه ورود دموکراسی به منطقه و دگرگونی در سرتاسر خاورمیانه از جمله ایران می‌دانند (politice.Blogfa.com).

امروزه ایالات متحده نه به صورت نظری بلکه عملاً جزء واقعی و جغرافیای محیط زیست منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود چرا که حضور نظامی امریکا در اطراف مرزهای ایران و روابط حسنه‌ی آن با دولت‌های عراق و ترکیه در غرب، افغانستان و پاکستان در شرق و کشورهای جنوب خلیج فارس و کشورهای استقلال یافته آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان همراه با حضور نو محافظه‌کاران در سیستم تصمیم‌گیری امریکا بر نگرانی‌های ایران در منطقه و تشدید تنش و بحران در روابط بین تهران - واشنگتن افزوده است و ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه و تاثیرگذار بر تحولات آن باید به تدوین یک استراتژی چند جانبه برای مقابله با این بحران‌ها بپردازد (Military Disengagement).

گراهام فولر معتقد است که «تلقی امپریالیستی ایران از امریکا و بر عکس امریکا از ایران به عنوان یک کشور شیعی با نقش آفرینی‌های متفاوت در مناطق خزر - خلیج فارس - آسیای مرکزی و عراق موجب تلقی تهدیدآمیز دو کشور از یکدیگر شده است». مارک پالمر نیز معتقد است که «تنها راه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران پی‌گیری مکانیسم‌های جنگ نرم با استفاده از سه تاکتیک دکترین مه‌مار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی یا پشتیبانی از نا فرمانی مدنی است».

از سویی اسرائیل استراتژی «اتحاد پیرامونی» را مطرح ساخت زیرا معتقداند که سیاست خارجی اسرائیل باید متکی بر کشورهای پیرامون و غیر عرب باشد زیرا اسرائیل به دلیل این که در محاصره کشورهای عرب متخاصم قرار دارد امکان توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با همسایگان را ندارد لذا باید با کشورهای پیرامونی و با اقلیت‌های موجود در این کشورها مرتبط شود. در دهه ۱۹۵۰ مقدمات شکل‌گیری اتحاد با کشورهای ترکیه - ایران و ایتوپی را پی‌ریزی

کرد و به اقلیت‌های عرب نظیر مسیحیان و دروزی‌ها در لبنان و اکراد در سوریه و عراق توجه کرد. اما با تشکیل منطقه امن در عراق و با حمله امریکا به عراق و ناامنی روزافزون در عراق از یک سو و تقویت پایه‌های حکومت خودمختار کردستان از سوی دیگر و نیاز به متحدانی قدرتمند، اسرائیل و کردستان را به هم نزدیک کرد. اسرائیل با تشکیل دولت کرد مخالف نیست اما تشکیل چنین دولتی را غیر ممکن می‌داند زیرا امریکا و کشورهای منطقه چنین دولتی را نمی‌خواهند اما با طرح B که توسط شارون ارائه شده بود کمک‌های بیشتری به کردها صورت گرفت و کردها نیز معتقدند که مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی داخلی اعراب است.

دولت اقلیم کردستان به خاطر اینکه کشورهای ترکیه - سوریه - ایران و عراق که موضوع کردها را پیگیری می‌کنند نمی‌تواند مستقیماً با اسرائیل رابطه برقرار کند و این جریان در قالب فعالیت‌های تجاری و بازرگانی - حمل و نقل و توریسم بروز می‌دهد؛ و این امر بر نگرانی‌های امنیتی ایران افزوده است.

چالش‌های ناشی از خلاء قدرت در عراق

ایران در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آن‌جا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد که عبارتند از: - تراکم تهدیدهای بیرونی - مرزهای کنترل ناپذیر - فقدان چتر حمایتی بین‌المللی زیرا این واقعیت‌ها در دراز مدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذرد (کریمی پور: ۱۳۸۰، ۲۲).

سقوط رژیم‌هایی که تهدیدی برای امنیت منطقه بود، عاملی گردید برای تبدیل منطقه به انبار تسلیحات و توجیهی برای حضور بیگانگان و جایگزینی آن رژیم با دولتی جدید، که بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیر گذاشت. وقتی عراق در سه ساخت سیاسی - نظامی و اداری در هم کوبیده می‌شود یعنی ما با یک عراق کاملاً جدید روبرو هستیم که مسئله‌ی خیلی مهم در ساخت نظام سیاسی عراق، توزیع قدرت سیاسی در میان گروه‌های مختلف جامعه عراق است. به طوری که تحولات جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق نقطه عطفی در شکل‌گیری ژئوپلیتیک قومی و تقویت مواضع مختلف قومی - سیاسی منطقه و تلاش آن‌ها در جهت تعریف جدید و مستقل از نقش و جایگاه خود در قدرت و حکومت منطقه ولو در چارچوب مرزهای محلی و سرزمینی کشورهای منطقه باشد (برزگر: ۱۳۸۵، ۱۶۶).

خلاء قدرت در عراق زمینه‌ی حضور بازیگران منطقه‌ای را در نقش‌آفرینی و تاثیرگذاری در فردای تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ نمود و از سویی کارنامه تجاوزات عراق به همسایگانش باعث شد که کشورهای منطقه مایل به تشکیل یک دولت قدرتمند در عراق نباشند. همچنین رقابت‌های منطقه‌ای و تعارض منافع استراتژیک به خصوص از بعد هویتی باعث رودررویی غیر مستقیم بازیگران منطقه‌ای مختلف در عراق شده است. ترس از تقویت عنصر شیعی و بنا بر تعبیر شاه اردن «تشکیل هلال شیعی» باعث انسجام کشورهای سنی مذهب در برابر گروه‌های شیعی عراق به خصوص ایران شده است. همچنین نگرانی از قدرت یافتن کردها و به خطر افتادن تمامیت ارضی عراق از علل دیگر مداخله کشورهای منطقه در عراق است.

شیعیان و کردها با حضور در ساختار جدید قدرت، رئوس هرم قدرت را براساس واقعیت جمعیتشان از آن خود کردند و به طور طبیعی سنی‌ها در حاشیه قرار گرفتند و نخبگان حاضر در قدرت سعی در باز تعریفی از هویت ملی گسترده در این سرزمین نمودند و منجر به اختلافات داخلی در عراق گردید.

پیرامون علل سیاسی شدن اختلافات میان گروه‌های ساکن در یک قلمرو جغرافیایی عواملی دخیل‌اند که عبارتند از: رقابت بر سر منابع به ویژه در مشاغل دولتی - استعمار داخلی - کثرت‌گرایی فرهنگی - انتخاب حسابگرانه و رقابت نخبگان (احدی: ۱۳۸۷، ۱۹) و مجموعه‌ی این عوامل فضایی از تعارض و تنش را در عراق ایجاد نموده، لذا یکی از نگرانی‌های امنیتی ایران بی‌ثباتی سیاسی در عراق می‌باشد.

تهدیدات قوم‌گرایانه و مرزهای لرزان

واژه‌ی قومیت از نظر «روکووسکی» به مثابه نشانی است که تشخیص آن کم هزینه و از بین بردن آن پر هزینه است.

عراق با گوناگونی قومی و تنوع مذهبی، عرفی‌ترین کشور عرب به شمار می‌رود و میعادگاه اقوام و مذاهب اعم از اعراب- ترک‌ها- فارس‌ها - کردها - شیعیان و سنی‌هاست براین اساس عراق از سوی ایالات متحده به عنوان اشاعه ارزش‌های فرهنگی - تفکرات اقتصادی و ساختارهای سیاسی امریکایی در خاور میانه انتخاب گردید (فصلنامه مطالعات راهبردی: ۱۳۸۲، ش ۲) از دهه‌ی ۱۹۹۰ سیاست نظام بین‌الملل در جهت مقابله با رژیم بعثی و با تعیین ممنوعیت پرواز بالای ۳۶ درجه و پایین ۳۳ درجه در شمال و جنوب، عراق عملاً به سه ایالت تقسیم شد و

زمینه‌های اندیشه ایجاد هویت‌های مستقل را در سرزمین‌های خود فراهم کرد (برزگر: ۱۳۸۵، ۳۰) و برخورد منافع قومی در عراق بروز کرد (تعامل در عرصه عراق: پژوهش ۱۵، ص ۴۶) لذا نگرانی از گسترش ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از بحران قومی و مذهبی یکی از چالش‌های فراروی ایران پس از تغییر ساختار در عراق برای امنیت ملی کشور است. یکی از نیروهای مهم داخلی تاثیرگذار بر روند شکل‌دهی به نظام سیاسی جدید عراق گروه‌های قومی به ویژه کردها هستند (مقصودی: ۱۳۸۶، ۱۲۱).

کردها و کردستان به دلیل جایگاه جغرافیایی و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک، تاریخ گذشته‌ی آن و اوضاع اجتماعی مردم کرد و ساختار بی‌ثبات و شکننده و ترکیب و دموگرافیکی ناهمگون و به شدت مرکب و اوضاع جغرافیایی و نامتجانس کشورهایی که کردها مهم‌ترین اقلیت درون مرزهای آن‌ها را تشکیل داده‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. کردستان عراق هم در ترتیبات جنگ سرد و نظام جهانی پس از فروپاشی عصر جنگ سرد به دلیل جایگزینی در ترتیبات سیاسی - انرژی در محور خاورمیانه قرار می‌گیرد و خود ملاحظات سیاسی - انرژی - امنیتی و البته نظامی دارد. از سویی جغرافیای طبیعی - امنیتی بر جغرافیای انسانی کردستان عراق منطبق است و این امر می‌تواند به افزایش قدرت محلی - بومی این منطقه کمک کند.

تقویت موقعیت کردها در عراق چند تهدید عمده را برای ایران به همراه دارد: افزایش نفوذ اسرائیل زیرا اغلب کردها معتقدند که مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی داخلی عرب‌هاست نه کردها.

تشدید جریانات قومیت‌گرا و تبدیل آن به یک تهدید بالقوه ه‌ه‌رازگاهی می‌تواند خود را نشان دهد و نتیجه‌ی این امر مطالبات اقتصادی اکراد ایران به مطالبات سیاسی و در میان مدت مسئله‌ی کردها می‌تواند قومیت‌گرایی را در ایران تقویت کند.

مهم‌ترین نقطه استراتژیکی میان کردها و حکومت عراق بر سر مالکیت آن حوزه‌ی نفت‌خیز کرکوک می‌باشد که در صورت پیوند آن با کردستان عراق، یک تهدید برای منافع ملی ایران محسوب می‌شود زیرا زمینه‌های قدرت کردها از طریق نفت افزایش می‌آید.

شیعیان در نظام حکومتی عراق نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نداشتند و در حکومت اپوزیسیون محسوب می‌شدند سیاست رزیم بعث در خصوص محدود سازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌الملل قرار داشت لذا

شیعیان قوی‌ترین آلترناتیو، با داشتن اکثریت جمعیت و یکپارچگی درونی قدرتمندترین نیروی موجود در عراق هستند و انگیزه زیادی برای سرنگونی صدام داشتند (نشریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها: ۱۳۸۴) شیعیان عراق ایران را حامی معنوی خود می‌دانند اما آمریکا را نیز عامل به قدرت رسیدن خود می‌دانند لذا دو پایه‌ی اصلی کسب قدرت شیعیان یعنی ایران و آمریکا، مشخصاً این دو ستون به شدت با یکدیگر اختلاف ایدئولوژیکی دارند.

امروزه تحولات معطوف به جهانی شدن و فشردگی زمان و مکان مرزهای جغرافیایی را شکننده‌تر ساخته است.

حال مرزها به دلیل نقش‌های ویژه‌ی خود از جمله به عنوان نوار مبادلاتی عمل همگون یا ناهمگون، و نیز به عنوان نخستین دریافت تهدیدهای گوناگون نمونه و الگوی استراتژیک بودن شمرده می‌شوند (کریمی پور - حمیدی: ۱۳۸۸، ۶۲) سابقه‌ی لرزان بودن مرزهای ایران و عراق از زمان استیلای عثمانی بر این منطقه آغاز می‌شود. یکی از لولاهای بحران که کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حساس‌ترین بخش در این رابطه، غرب است که منطبق با مرزهای غربی و نزدیک به ۱۸۰۰ کیلومتر است (عزتی: ۱۳۸۱، ۱۰۷) مرزهای غربی ایران حاصل معاهدات و قراردادهایی است که در سال ۱۵۵۵ م (عهدنامه آماسیه) تا ۱۹۷۵ (اعلامیه الجزایر) میان دو کشور انعقاد یافته است. ایران در نواحی همجوار با کردستان، کرمانشاه، ایلام دارای خلاء ژئوپلیتیک است و دلیل آن تهدید وحدت منطقه از طریق جمعیت کردنشین می‌باشد. در دو ناحیه خوزستان و کرمانشاه خلاء ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مشهود است و با نام‌های «دالان امنیتی ایران» نام‌گذاری شده است. از نظر جغرافیایی ایران تنها از طریق مرز خسروی می‌تواند ارتباط جاده‌ای مناسب با عراق داشته باشد. وجود منابع نفتی مشترک مرزی در منطقه «نفت شهر» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در منطقه خوزستان اختلاف بر سر اروندرود است که هر دو ضعف‌هایی دارند و این ضعف زمانی محسوس است که هر دو کشور نتوانند به بندر بصره و خرمشهر در دو سوی اروندرود به عنوان تکیه گاه بیندیشند.

در شرایطی که امنیت یا ناامنی کردستان عراق بی‌هیچ مانعی از طریق مرزهای طولانی عراق با خاک ایران سرایت می‌کند از جهاتی چند کردستان عراق می‌تواند زمینه‌ساز توطئه‌های آمریکا برای منطقه باشد:

تقویت ناسیونالیسم کردی و وعده‌ی ایجاد کردستان بزرگ و استقلال کردها از طرف آمریکایی‌ها و در نتیجه فشار بر کشورهای منطقه.

فقر فرهنگی و عدم یک فرهنگ قوی در بین مردم زمینه مناسبی برای پیشرفت سریع نقشه‌های امریکا ایجاد کرده است.

مرزنشینی بودن کردها و دور بودن آنها از مرکز سبب شده تا دشمنان عراق بتوانند راحت تر در میان آنها نفوذ کرده و از طریق احساسات، آنان را علیه حکومت مرکزی تهییج نمایند و مناطق مرزی را نیز برای کشورهای مجاور نا امن نمایند (عزتی: ۱۳۸۱، ۵۵).

سیاست خارجی ایران در قبال تهدیدات ناشی از تغییر ژئوپلیتیک عراق

در تعریف مفهوم سیاست خارجی گفته می‌شود که سیاست خارجی از جایی آغاز می‌شود که سیاست داخلی پایان یافته است. در واقع سیاست خارجی به تدوین و اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی مربوط می‌شود که از نظر دولتمردان یک کشور جنبه برون مرزی دارد (تیشه‌یار - ظهیری نژاد: ۱۳۸۴، ۷).

سیاست خارجی عبارت از، خطمشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند حال مهم‌ترین ابزار سیاسی در اجرای سیاست خارجی دیپلماسی می‌باشد که عبارت از: فن اداره‌ی سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌الملل و نیز حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت آمیز، لذا یکی از فعال‌ترین بخش‌های دستگاه دیپلماسی ایران تمرکز بر کشور عراق است. حال با در نظر گرفتن دو رکن زمان و مکان، تاثیر جغرافیای عراق در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، ایران برای برخورد با تهدیدات، باید توجهی هماهنگ با روند تحولات جهت حفظ پرستیژ سیاسی خود ارائه دهد.

در چگونگی تنظیم سیاست خارجی ایران در قبال عراق نوین سه دیدگاه قابل تامل و بررسی می‌باشد:

نظریه رئالیستی: در این دیدگاه کشورها روابط خود را بر مبنای واقعیات موجود و صرفاً در چارچوب منافع ملی تنظیم می‌کنند و در این راستا سعی می‌کنند تا امنیت و منافع ملی خود را بالا ببرند در عین حال این دیدگاه بر مبنای بی‌اعتمادی متقابل - سوابق تاریخی و دشمنی و وجود جنگ بین طرفین شکل گرفته است.

رویکردیده آلیستی و همگرایی: این رویکرد بر همکاری - صلح و عدم تعارض تاکید دارد. منطقه گرایی - تشکیل اتحادیه‌ها - همکاری بیشتر اقتصادی و نهادگرایی از جمله پیشنهادات

این گفتمان نظری است. درباره رویکردهای سیاست خارجی ایران در عراق از نگاه این نظریه همکاری‌ها و تعاملات منطقه‌ای بیشتر اقتصادی مد نظر می‌باشد.

نظریه سازنده‌گرایی: براساس این نظریه گرچه در گذشته مفهوم منازعه و جنگ به عنوان پارادایم اصلی و زیر ساخت امنیت منطقه‌ای بود اما امروزه برداشت‌های سنتی تهدید متقابل با شرایط جدید سیاسی از میان رفته و با تغییر ماهیت و ساخت قدرت در عراق و برخورداری عراق از زمینه‌های پایداری چون، جمعیت - منابع - استعداد‌های انسانی روابط دو کشور بر اساس درجه‌ای از واقع‌گرایی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (برزگر: ۱۳۸۵، ۲۸).

ایران برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد مبتنی بر ژئوپلیتیک باید بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از موقعیت‌ها و وضعیت در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تاکید کند؛ و برای اتخاذ دکرترین تعامل سازنده و موثر در سیاست خارجی خود به مولفه‌های ژئوپلیتیک و حوزه‌های پیرامونی خود بسیار توجه کند و فراموش نکند که این کشور در «چهارراه حوادث» جهان واقع شده است؛ و بنا بر گفته‌ی گراهام فولر «قبله‌ی عالم یا مرکز عالم است» و نمی‌تواند نسبت به تحولات بین‌المللی بی‌اعتنا باشد و اکنون که اوپاما با شعار تغییر و راهبرد قدرت هوشمند (Smart power) پا به عرصه سیاست جهانی گذاشته ایران ناگزیر از تعریف نو از سیاست خارجی خود بوده تا از این وضعیت امنیتی که با منافع ایالات متحده گره خورده و منطقه پیرامونی ایران را در کانون معادلات جهانی قرار داده است (افتخاری: ۱۳۸۴، ۴۴) حداکثر بهره‌برداری را در کسب منافع ملی خود در قالب یک دکرترین تعامل سازنده بنماید بدیهی است که این فرصت بیش از پیش در حوزه غرب ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق مهیا است (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی: ۱۳۸۸، ۱۴) بنا بر این آنچه در مولفه‌های دکرترین تعامل سازنده در سیاست خارجی نقش اساسی ایفا می‌کند «فرایند تامین امنیت» در سایه تحولات ژئوپلیتیک است.

اهداف سیاست خارجی ایران عمدتاً مبتنی بر دو هدف عمده استوار است: امنیت و توسعه و دستیابی به اهداف فوق‌نیاز به محیطی آرام و با ثبات در حلقه‌های فوری امنیتی کشور در سطح همسایگان دارد تا انرژی - منابع و ثروت کشور صرف اهداف توسعه گردد (برزگر: پژوهش ۱۵، ص ۷۱).

جهت کاهش خطر اصطکاک فراگیر در امتداد خطوط گسلی ایران و عراق ائتلاف‌گرایی براساس «تهدیدات مشترک» یا «منافع مشترک» سازماندهی شود و حوزه‌های تهدید و منافع

با یکدیگر ترکیب شود و سنتز جدیدی ایجاد شود که بر اساس آن ساختار سیاسی و تعاملات نوین در فضای مشترک چند جانبه با گذر از شرایط تعارض و کاهش بی‌اعتمادی سازماندهی گردد.

مشاهده می‌شود که تحولات عراق حامل تهدیداتی برای ایران می‌باشد لذا توجه به موارد زیر برای سیاستمداران ایرانی حائز اهمیت است:

شناخت ژئوپلیتیک نوین با تاکید بر ژئوپلیتیک نوین حوزه غرب (عراق).

طراحی دکترین تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌المللی ایران با کشورهای منطقه و جهان برای حداکثر سازی فرصت‌های خلق شده و به حداقل رساندن تهدیدات در آینده (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی: ۱۳۸۸، ص ۱۲).

در مجموع ایران در تنظیم رویکرد بهینه خود در سیاست خارجی پویا، با دیدگاهی واقع‌گرایانه در عرصه‌ی تحولات عراق گام بردارد زیرا توجه به این واقعیات که دوران گذار، دوران دگرگونی‌هاست و پروسه‌ی جهانی شدن فشرده‌ی زمان و مکان را مطرح می‌سازد و با این ویژگی که از میان برداشتن مرزها مشخصه‌ی جغرافیاست، ایران دیدگاه مبتنی بر برداشت فرصت و افزایش حضور در منطقه را براساس تعامل سازنده و دیدگاه سازنده‌گرایی بر مبنای استراتژی اشتراک و مشارکت اتخاذ نماید تا به اهداف برنامه‌ریزی شده‌ی خود در سند چشم‌انداز دست یابد.

تعامل‌گرایی ایران می‌تواند نمادهایی از همکاری منطقه‌ای با بازیگران بین‌المللی را به وجود آورد ایران می‌تواند از این فرصت با قدرت سازی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی، ایالات متحده را مجبور به پذیرش جایگاه منطقه‌ای خود سازد و از آنجا که ایالات متحده در تمامی حوزه‌های ژئوپلیتیکی ایران، دارای منافع راهبردی است، ایران می‌تواند با پیوند مولفه‌های ژئوپلیتیکی خود با مولفه‌های ژئوپلیتیک حوزه‌های پیرامونی خلیج فارس - خاورمیانه - قفقاز و آسیای مرکزی و شبه قاره هند تحقق منافع ایالات متحده را به تحقق منافع خود در منطقه گره زند. (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی: ۱۳۸۸، ۲۸).

ایران با سیاست «امنیت به هم پیوسته» و حضور بیشتر در منطقه سعی در رفع چالش‌های جدید امنیتی و همچنین افزایش چانه زنی برای تثبیت نقش‌های سیاسی - امنیتی جدید به نفع منافع ملی خود را در یک دوران انتقال دارد (برزگر: پژوهش ۱۵، ص ۶۲).

پیشنهادات و ارائه راهکار

با توجه به این که مثلث امریکا، ایران و عراق یکی از پایه‌های استراتژیک شکل‌دهنده به مناسبات منطقه‌ای و حتی جهانی در آینده است که در این مثلث ظرفیت‌های متفاوت و پرمایه‌ای وجود دارد (www.Alborznews.net) پس با توجه به ملزومات استراتژیک راهکارهای ذیل در جهت تحقق منافع و امنیت ملی ایران و تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها، پیشنهاد می‌گردد:

تحولات داخلی عراق را برای ایران می‌توان به عنوان فرصتی تلقی کرد که ایران ضمن برقراری ارتباط با اقلیم کردستان به ویژه از طریق گسترش تعاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این حوزه که امنیت نسبی برقرار است که در دراز مدت می‌تواند توسعه اقتصادی و رفاه کشور را در پی داشته باشد به طوری که غفلت از چنین سرمایه‌گذاری تاریخی یک خطای استراتژیک است. ایران توانایی آن را دارد تا بنا بر ملاحظات دراز مدت مراکز آموزشی-فرهنگی و کارگاه‌های صنعتی را در شهرهای اقلیم کردستان احداث نماید.

در عین حال ایران می‌تواند از این طریق از امنیتی شدن مطالبات کردها در ایران بکاهد چرا که گرایشات خصومت آمیز سال‌ها از تاریخ مصرف آن گذشته است پس با اعطای امتیازات سیاسی و تشکیل احزاب کردی - سرمایه‌گذاری در این مناطق و اختصاص سهم بیشتری از درآمد کشور به مناطق محروم کردنشین - اعطای امکانات اجتماعی و توسعه گردشگری (مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس: ۱۳۸۸، ۱۵: آبان) از واگرایی اکراد در نواحی بحران خیز کاسته و با عقلانیت سیاسی همگرایی را در این مناطق افزایش داده شود.

اخیرا نویسندگانی مانند پاسونز و اسلمر، باتلر مدعی شده‌اند که گسترش دامنه تمرکز بازار به از بین رفتن تعلقات قومی منجر خواهد شد چرا که هویت‌های قومی سنخیتی با مراکز فروش و دادوستد ندارند و از این رو معنای اجتماعی خود را از دست داده‌اند. تحرک مکانی گسترده کار - سرمایه کالا و خدمات باید به همین ترتیب گروه‌های قومی را نسبت به تمرکز جغرافیای دل سرد ساخته و امکان جذب آن‌ها را در نظم اجتماعی کلی تر فراهم سازند (احدی: ۱۳۸۷، ۲۱).

تحولات ژئوپلیتیک در عراق و ظهور عراق جدید زمینه همکاری بین دو کشور و حرکت در مسیر همگرایی را در ابعاد سیاسی - اقتصادی و نظامی با درک واقعیات ژئوپلیتیک جاری، مسیر رشد و توسعه در پی خواهد داشت ایران با قرار دادن الگوی تعامل سازنده در راس سیاست خارجی خود در قبال عراق، می‌تواند بزرگ‌ترین تامین کننده مواد غذایی به مردم عراق باشد و

نیز به دلیل داشتن منابع عظیم معدنی و تولید مواد اولیه صنعتی از جمله فولاد و سیمان می‌تواند نقش ممتازی در بازسازی عراق ایفا نماید، افزایش مراودات علمی و مذهبی به منظور همگرایی میان نخبگان دو ملت (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی: ۱۳۸۸، ۲۸) همکاری در زمینه ی صادرات و واردات، تولید و صادرات نفت با توجه به این که هر دو کشور عضو اوپک هستند، رفع محدودیت‌های عراق در دسترسی به خلیج فارس از طریق ایران، که فقط ۴۲ کیلومتر از سواحل را در اختیار دارد (فبمار: ۲۲، ۱۳۸۰) با پرداخت حق ترانزیت، در واقع می‌توان مشخصه‌ی عراق جدید را، آغاز عصر طلایی روابط دو جانبه ایران و عراق به حساب آورد. در واقع استراتژی بلند مدت ایران در عراق باید به گونه‌ای باشد که عراق را به شریک اول تجاری ایران در خاورمیانه تبدیل نماید به گونه‌ای که عراق جایگزین امارات متحده عربی برای صادرات ایران باشد.

سیاست و خطمشی کاربردی پیشنهادی ایران در عراق نوین عبارت از:

اظهارات اعتماد سازانه و ائتلاف‌گرایانه مقامات ایران و عدم حساسیت نسبت به اوضاع عراق. عدم جانبداری متعصبانه و صریح نسبت به شیعیان و همکاری با تمام گروه‌های مذهبی - قومی. تمرکز بر مسائل همگرا و وحدت‌گرایانه مبتنی بر بینشی واقع‌گرایانه. تقویت تعاملات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی در جهت گسترش فرصت‌ها برای دستیابی به رفاه و توسعه ملی.

ضرورت توجه به نقش فناوری اطلاعات در ایجاد به هم پیوستگی فرهنگ سیاسی دو ملت در دکترین تعامل سازنده (فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل: ۱۳۸۸، ۱۸). گسترش نهادهای پایدار اقتصادی و سیاسی در چارچوب ابزار دیپلماسی و کاهش فرایند تعارضی.

تقریب مذاهب و تاکید بر نقاط پیوندی بین آن‌ها (فصلنامه ژئوپلیتیک: ۱۳۸۹، ش ۲).

اجتناب از تبلیغات منفی و اهتمام در کاستن تنش‌های مرزی.

فعال نمودن سیاست بی‌طرفی ایران در قبال سیاست دربرگیری آمریکا از طریق حضور نظامی مستقیم در کشورها بر اساس منافع و مصالح ملی (ثقفی عامری: پژوهش ۱۵، ص ۴۹). ایجاد حکومت مرکزی قوی با شرکت دوستان و هم‌پیمانان جهت جلوگیری از بروز نا امنی در عراق (فصلنامه معاونت آموزش و پژوهش: ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

برای یک کشور در یک دوره‌ی معین و برای حل مسائل معین پاسخ‌های مشخص، راهکارها و استراتژی‌های خاصی ضرورت می‌یابد، که با شناخت صحیح از جهان و پتانسیل‌های خویش می‌تواند به سیاستگذاری برای کسب منافع خود، مبتنی بر استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها در چارچوب قواعد بازی بپردازد.

در این راستا، مسئله‌ی زمان و مکان در نوع اهداف ملی هر کشوری تعیین‌کننده می‌باشد و نمی‌توان انتظار داشت که هدف‌های ملی یک کشور در طول زمان و در شرایط و مقتضیات گوناگون ایستا و ثابت بماند (مورگنتا: ۱۳۸۳، ۲۷).

جسبندگی جغرافیایی ایران و عراق و تبارشناسی روابط امنیتی گذشته، ژئوپلیتیک عراق، مرزهای آبی و خاکی، وجود عنصر کردی، جمعیت ۶۰ درصدی شیعیان و قدرتیابی نیروهای سیاسی شیعی، ناامن بودن فضای داخلی این کشور پس از حمله ۲۰۰۳ آمریکا، نیازمندی‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی، ضرورت عمران و آبادانی این کشور، حضور قدرت‌های بین‌المللی و رقابت‌های منطقه‌ای در این سرزمین از جمله مواردی است که اهمیت عراق را در امنیت ملی ایران برجسته کرده است با این توصیف ایران موثرترین بازیگر منطقه‌ای در عراق محسوب می‌شود.

از سویی رفتار و سیاست خارجی کشورها تابعی از نحوه ادراک آن‌ها از رفتار سایر کشورهاست؛ و اصولاً عمیق‌ترین تحقیقات در حوزه سیاست خارجی به دلیل ارتباط مستقیم با مسائل امنیتی ملی و فراهم‌سازی زمینه‌های فرصت‌سازی باید در حوزه همسایگان صورت گیرد. حال در این فضا استراتژی مناسب در عراق نوین، شکل‌گیری فرایند مشارکت در عین رقابت، کوشش در جهت پیشگیری از هرگونه تصادم و تنش و کاهش حس بی‌اعتمادی باشد و در تمامی مذاکرات و چانه‌زنی‌هایی که پیرامون مرزها و ژئوپلیتیک تازه شکل‌یافته و پیمان‌ها که صورت می‌گیرد زیر بنای همکاری، هم‌ساز بودن و اتحاد و ائتلاف مبتنی بر اعتماد متقابل باشد تا به آرمان صلح خدمت نماییم.

در حقیقت ایران با اتخاذ استراتژی کار آمد و بهینه به تقویت عمق استراتژیک خود در عراق خواهد پرداخت؛ و در این نظام سلسله‌مراتبی و با درک ژئوپلیتیک نوین، ضمن درک تهدیدات، محدودیت‌ها و امکانات در پی‌گیری، منافع و امنیت ملی کشور، باید همکاری را از سطوح جزئی آغاز و تدریجاً با خروج از حالت منازعه، میدان فعالیت‌ها را در سطح کلان با همکاری و مشارکت گسترده‌تر نمایند.

منابع

- آسایش طلب طوسی، محمد کاظم: (۱۳۸۴)، امریکا و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه، نشریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها.
- احدی، محمد: (۱۳۸۷) جغرافیای امنیتی کشورهای همجوار، تهران - مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- امیر عبداللهیان، حسین: (۱۳۸۸) موافقت نامه امنیتی بغداد - واشنگتن، رفتار شناسی امریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱
- ایروانی، امیر اسعد: (۱۳۸۸) عملیات امریکا در عراق و تاثیر آن بر ایران، فصلنامه بین‌المللی و روابط خارجی، سال اول، شماره ۲
- تیشه یار، ماندانا و ابوطالبی، سیده فاطمه: (۱۳۸۴) بررسی نقش جغرافیایی سیاسی عراق در روابط با همسایگان، ناشر، مولفین.
- برزگر، کیهان: (۱۳۸۵) سیاست خارجی ایران در عراق جدید، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- پور سعید، فرزاد: (۱۳۸۲) عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم.
- حسینی، حسن: (۱۳۸۷) قدرت‌های بزرگ و اصلاحات در خاورمیانه، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر، امنیت مطلق از طریق سیطره مطلق، مجله سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهش ۱۴
- زاهدی موحد، محسن: (۱۳۸۸) رویدادها و تحلیل، فصلنامه معاونت آموزش و پژوهش، مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه.
- سیف زاده، سیدحسین: (۱۳۷۹) عراق ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، ناشر، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سیف زاده، سید حسین: (۱۳۸۹) همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵
- عزتی، عزت‌الله: (۱۳۸۱) تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فب مار: (۱۳۸۰) تاریخ عراق نوین، ترجمه، عباسپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- فرجی راد، عبدالرضا: (۱۳۸۸) جغرافیای سیاسی خلیج فارس، جزوه درسی دکتری.
- فولر، گراهام: (۱۳۷۷) قیله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه، عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- قاسمی، فرهاد: (۱۳۸۹) سیاست‌های پیشنهادی برای حصول امنیت در منطقه (مطالعه موردی خاورمیانه)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- کالینز، جانم: (۱۳۷۱) استراتژی بزرگ، کوروش بایندر، دفتر مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر.
- کتابی، محمود و راستینه، احمد: (۱۳۸۸) دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره سوم.

کریمی پور، یدالله: (۱۳۸۰) ایران و همسایگان، منابع تهدید و تنش، جهاد دانشگاهی - تهران.
نوام، چامسکی، آیا دولتی مستقل در عراق تشکیل خواهد شد؟ ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۴۰
واعظی، محمود: (۱۳۸۴) مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات عراق در چشم انداز امنیت منطقه ای،
پژوهشکده مطالعات استراتژیک، گروه پژوهش سیاست خارجی.

واعظی، محمود: (۱۳۸۷) ایران و امریکا، تعامل در عرصه عراق، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه
پژوهش‌های سیاست خارجی، پژوهش ۱۵

انتخابات کردستان عراق، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی - گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، ۱۵
آبان ۱۳۸۸

منابع اینترنتی:

[www. Irdiplomacy.ir](http://www.Irdiplomacy.ir)

politice. Blogfa.com

www. Alborznews. Net

www.hamshahri.org

cachedstrategicreviwe.org/?p=23900

www.ariarman.org/Midle- Easte.htm